



## بررسی ارتباط بین کارایی مدیریت و تغییر حسابرس با تاکید بر نقش عدم تقارن اطلاعاتی

اکبر کنعانی<sup>۱</sup>

گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

دکتر رضوان حجازی<sup>۲</sup>

استاد حسابداری، دانشگاه خاتم، تهران

دکتر مهرداد قنبری<sup>۳</sup>

گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

دکتر بابک جمشیدی نوید<sup>۴</sup>

گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

(تاریخ دریافت: ۲ مهر ۱۳۹۶؛ تاریخ پذیرش: ۳ بهمن ۱۳۹۶)

هدف تحقیق حاضر بررسی ارتباط بین کارایی مدیریت و تغییر حسابرس با تاکید بر نقش عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد. به این منظور ۸۴ شرکت برای دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ به روش غربالگری جامعه آماری برای ۴۲۰ مشاهده (سال-شرکت) مورد بررسی قرار گرفت. برای اندازه‌گیری کارایی (توانایی) مدیریت از مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) و برای اندازه‌گیری عدم تقارن اطلاعاتی از مدل چیانگ و وینکاتش (۱۹۸۶) استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها با استفاده از رگرسیون چندمتغیره لجستیک نشان داد بین کارایی مدیریت و تغییر حسابرس رابطه معنی‌داری وجود ندارد. اما متغیر تعدیل‌کننده عدم تقارن اطلاعاتی، رابطه بین کارایی مدیریت و تغییر حسابرس را به صورت معنی‌دار تعدیل نمود. نتایج نشان داد از بین متغیرهای کنترلی، ارتباط بین نوع اظهارنظر حسابرس و اندازه شرکت با تغییر حسابرسی معنی‌دار می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** کارایی مدیریت، تغییر حسابرس، عدم تقارن اطلاعاتی

<sup>1</sup> akbarkanani2000@yahoo.com

<sup>2</sup> hejazi33@alzahra.ac.ir

<sup>3</sup> ghanbari@iauksh.ac.ir

<sup>4</sup> jamshidinavid@iauksh.ac.ir

## مقدمه

در سال‌های اخیر، محققان در رشته‌های مختلفی به بررسی نقش و اهمیت مدیریت در سازمان‌ها پرداخته‌اند. در داخل این مبحث، دو تئوری درباره چرایی و چگونگی تأثیرگذاری مدیریت در شرکت وجود دارد؛ از منظر تئوری اقتصاد نئوکلاسیک تمامی مدیران همگن بوده و جزء عوامل تغییرپذیر یک سازمان می‌باشند همچنین ویژگی‌های فردی آن‌ها، سوگیری و تصمیمات آن‌ها در مقابل شرکت که به‌عنوان یک کل به حساب می‌آید، دارای اثر ناچیز خواهد بود. به‌هر حال جایگزینی مدیران برای محققان یک چالش اساسی محسوب شده و آن‌ها را به سمت تئوری برتر آسوق می‌دهد. به نظر این تئوری برخلاف تئوری قبلی، مدیران رده‌بالا و ویژگی‌های فردی آن‌ها در نتایج و تصمیمات شرکت با اهمیت است [۲۵].

پس از رسوایی‌های اخیر مالی و ورشکستگی و کشف تقلب در بعضی از شرکت‌های مطرح دنیا، توجه زیادی بر مسائل حسابرسی، از جمله استقلال حسابرسان معطوف گشت که این امر منجر به تصویب قانون ساربنز-اکسلی در سال ۲۰۰۲ گردید. این قانون به‌جای تمرکز بر جزئیات گزارشگری، بر حاکمیت شرکتی، حسابرسی و بیانیه‌های مربوط به کنترل‌های داخلی تمرکز داشته است. پس از رسوایی مالی این شرکت‌ها، حفظ استقلال حسابرسان و چرخش مؤسسات حسابرسی، الزامات بیشتر در مورد استقلال و مسئولیت‌های نظارت بر هیئت‌مدیره شرکت بخصوص برای اعضای کمیته حسابرسی، افزایش موارد افشاء در مورد معاملات خارج از ترازنامه و تعهدات قراردادی، افزایش انواع اقلام افشاء در فرم مخصوصی بنام ۸-k و کوتاه نمودن زمان تهیه آن، بیش‌ازپیش در مجامع بین‌المللی مطرح بوده است. از طرفی گزارش‌های مالی تهیه‌شده توسط سیستم حسابداری، با ارائه گزارش حسابرسی اعتبار و ارزش خاصی به خود می‌گیرد؛ بنابراین ضروری است حسابرسان همواره در حفظ استقلال خود کوشا بوده تا استفاده‌کنندگان اطلاعات با قابلیت اتکای بیشتری از این گزارش‌ها در تصمیم‌گیری‌های خود استفاده نمایند.

مدیریت در هر شرکتی مسئولیت تهیه صورت‌های مالی را بر عهده دارد و افراد مستقلی بنام حسابرسان که از دانش و تخصص و تجربه و مهارت‌های حرفه‌ای برخوردارند به نحوه ارائه این گزارش‌ها با اظهارنظر خود اعتبار می‌بخشند، در این میان، مدیریت ممکن است بنا به دلایلی از جمله افزایش پاداش، به دستکاری و مدیریت سود در شرکت اقدام نماید یا محدودیت در رسیدگی حسابرسان ایجاد نماید یا به نحوی در بکارگیری استانداردهای حسابداری منحرف گردد. بنابراین پرسش‌های اصلی تحقیق به‌صورت زیر مطرح می‌گردد: آیا بین کارایی مدیریت و تغییر حسابرسان رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین کارایی مدیریت و تغییر حسابرسان تأثیر دارد؟

## تغییر حسابرسان و کارایی مدیریت

تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که تغییر حسابرسان می‌تواند ناشی از یک دسته عوامل و پیچیدگی‌های موجود در روابط بین حسابرسان و صاحبکار باشد. علل تغییرات حسابرسان معمولاً شامل ویژگی‌های شرکت

<sup>1</sup> Neoclassical economic theory

<sup>2</sup> Upper echelons theory

و حسابرِس مانند وضعیت و عملکرد مالی، ریسک، کیفیت کنترل داخلی، اتمام قرارداد شرکت حسابرِس، نوع اظهارنظر و گزارش حسابرِس و سایر عوامل مرتبط با آن باشد [۳۲].

تحقیقات کاسل و همکاران (۲۰۱۲) و لی و همکاران (۲۰۰۴) عوامل سنتی تعیین کننده تغییرات حسابرِس را از طریق نقش حاکمیت شرکتی مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد حاکمیت شرکتی نقش بااهمیتی در کاهش احتمال تغییر حسابرِس ایفا می‌نماید. با این وجود، تحقیقات تجربی قبلی که چنین تغییری را به ویژگی‌های خاص یک مدیر مربوط نماید توسط محققین حسابداری در دست نیست [۳۱ و ۱۷].

با توجه به اینکه در زمینه حسابرِس، ترازوی قدرت تقریباً همیشه به طرف صاحبکاران است. در صورت وجود مجادله بین حسابرِس و صاحبکار، مدیریت ممکن است از طریق تهدید به خاتمه کار با حسابرِس، وی را مجبور به پذیرش رویه‌های حسابداری کند. در صورتی که مدیریت در انجام این کار موفق نشود، با اعمال قدرت خود ممکن است حسابرِس را برکنار کرده و حسابرِس انعطاف پذیرتری جستجو کند [۱۳].

تحقیقات حسابداری زیادی برای عوامل مؤثر بر کنارگذاری حسابرِس انجام شده است از آن جمله می‌توان به تحقیقات (اترج و همکاران ۲۰۰۷؛ کالدرون و اوفوبیک ۲۰۰۸؛ لندنمن و همکاران، ۲۰۰۹؛ گریفین و لونت ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱) اشاره نمود. از دیدگاه کلان، دو نظریه رقابتی که در این مورد بحث شده است منجر به پیش‌بینی‌های متفاوت در مورد اینکه آیا توانایی مدیریت بر تغییر حسابرِس تأثیر می‌گذارد، خواهد داشت: طبق دیدگاه اول با توجه به نظریه اقتصاد نئوکلاسیک، هیچ ارتباطی بین توانایی مدیریت و تغییر حسابرِس وجود ندارد. اما اگر مدیران از دیدگاه ثنوری برتر به قضیه نگاه کنند می‌توان چنین استنباط کرد که بین توانایی مدیریت و احتمال تغییر حسابرِس رابطه وجود دارد [۳۲].

#### عدم تقارن اطلاعاتی و کارایی مدیریت

عدم تقارن اطلاعاتی زمانی به وجود می‌آید که یک طرف قرارداد یا معامله از اطلاعات بیشتری آگاهی داشته باشد و هنگام برقراری ارتباط با طرف دیگر به صورت مؤثر از این اطلاعات استفاده کند. دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) توانایی مدیریت را به عنوان کارایی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می‌کنند. مدیران توانمندتر، دانش و آگاهی بیشتری در ارتباط با مشتریان و شرایط کلان اقتصادی دارند و همچنین قادرند درک بهتری در ارتباط با استانداردهای پیچیده‌تر داشته و آن‌ها را به درستی اجرا کنند. شرکت‌های با مدیران توانمندتر از کارایی بالاتری برخوردار بوده و حاضر نیستند با افزایش بدهی‌ها، سودهای آینده خود را با خطر مربوط به هزینه‌های ورشکستگی و بحران مالی مواجه سازند.

نتایج پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد توانایی مدیریت سبب افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. کیفیت بالای گزارشگری مالی از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، امکان‌پذیرش نادرست و خطر اخلاقی را کاهش داده، بر اثر افزایش توانایی سهامداران و وام‌دهندگان در کنترل و تحت نظر گرفتن فعالیت مدیران منجر به کاهش هزینه‌های پایش مدیریت و در نتیجه کاهش ریسک گزارشگری مالی و هزینه‌های تأمین مالی شرکت می‌شود [۲۰]. چامرن و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهش خود به بررسی کیفیت مدیریت

سیاست‌های سرمایه‌گذاری و عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین توانایی مدیریت و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، مدیران توانمندتر قادرند از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، ارزش ذاتی شرکت را بهتر به سرمایه‌گذاران منتقل کنند [۱۸]. نتایج پژوهش اندرو و همکاران (۲۰۱۴) نشان داد که توانایی مدیریت رابطه منفی و معناداری با عدم تقارن اطلاعاتی دارد. به بیان بهتر، مدیر توانمند می‌تواند موجب عملکرد بهتر شرکت، افزایش سرمایه‌گذاری، افزایش سودآوری، استفاده مناسب از منابع و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی شود [۱۶].

### عدم تقارن اطلاعاتی و تغییر حسابرِس

جدایی مالکیت و مدیریت در شرکت‌های سهامی به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از ساختار فعالیت اقتصادی در شرکت‌های سهامی بزرگ و تضاد منافع احتمالی میان مدیران و مالکان ایجاد می‌نماید به منظور کاهش هزینه‌های نمایندگی، گزارش‌های تهیه‌شده توسط مدیریت توسط اشخاص مستقل و باصلاحیت حسابرسی شود. طبق تئوری نمایندگی، تضاد منافع می‌تواند منجر به عدم تقارن اطلاعاتی نیز شود. یکی از راه‌های کاهش این عدم تقارن اطلاعاتی، انجام حسابرسی سالانه می‌باشد [۲۸]. بررسی وجود عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه و راهکارهایی برای کاهش آن ضروری به نظر می‌رسد. یکی از دلایل وجود عدم تقارن اطلاعاتی، جدایی مالکیت از مدیریت است زیرا مدیران اغلب اطلاعات بیشتری در مورد ارزش شرکت در اختیار دارند اما می‌توان با اتخاذ راهکارهایی عدم تقارن اطلاعاتی موجود را کاهش داد. مطلوب‌ترین راهکار برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی موجود، استفاده از خدمات حسابرِس مستقل به‌عنوان گواهی‌کننده کیفیت صورت‌های مالی است. از سویی با تداوم انتخاب حسابرِس و به دست آوردن شناخت بیشتر حسابرِس از وضعیت صاحبکار، هوشیاری حسابرِس نسبت به کار حسابرسی بیشتر می‌شود و از هرگونه خطرپذیری بالقوه حسابرسی پرهیز می‌کند. بنابراین با تداوم انتخاب حسابرِس، عدم تقارن اطلاعاتی بین صاحبکار و حسابرِس کاهش می‌یابد و منجر به بهبود کیفیت حسابرسی می‌شود. اگرچه دلیل اقتصادی و رفتاری برای تغییر حسابرِس وجود دارد اما این تغییرات بسیار مورد توجه ناظران و دانشگاهیان قرار گرفته است زیرا این تغییرات می‌تواند انگیزه‌ای برای فرصت‌طلبی مدیریت باشد [۱۴]. ون‌استرلین (۲۰۰۸) معتقد است که وظیفه حسابرِس، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع بین سهامداران و مدیران است. در واقع، حسابرسی نوعی نظارت در شرکت‌ها برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کنترل آزادی عمل مدیران در گزارشگری مالی است [۳۳]. فرانسویس و ویلسون (۲۰۰۵) معتقدند که هنگامی تقاضا برای کیفیت بالای حسابرسی زیاد است که هزینه‌های نمایندگی افزایش می‌یابد. بنابراین، افزایش کیفیت حسابرسی، عدم تقارن اطلاعاتی را بین مدیران آگاه و عرضه‌کنندگان ناآگاه، به‌طور چشمگیری کاهش می‌دهد و در نتیجه، کیفیت اطلاعات حسابداری و مالی افزایش پیدا می‌کند [۲۶].

موافقان تغییر اجباری حسابرِس بر این عقیده هستند که حسابرسان بعد از حضور طولانی مدت در کنار یک صاحبکار به دلیل وابستگی‌های اقتصادی، انگیزه بیشتری برای حفظ صاحبکار و پذیرش دیدگاه‌ها و خواسته‌های وی خواهند داشت که این امر استقلال آن‌ها را مخدوش می‌کند. به اعتقاد آن‌ها دوره تصدی طولانی باعث ایجاد یک سری روابط عاطفی می‌شود تا حدی که احساس وفاداری در حسابرسان ایجاد

می‌کند و بدین ترتیب استقلال آن‌ها را به خطر می‌اندازد. مخالفان تغییر اجباری، شاید این دیدگاه را تأیید کنند اما آن‌ها اعتقاد دارند مخارج اجرا و اعمال این قانون بیش از منافع آن است. از طرفی، آن‌ها استدلال می‌کنند که عوامل دیگری نظیر نیاز به حفظ اعتبار و شهرت و ترس از طرح دعاوی حقوقی علیه آن‌ها وجود دارد که حسابرسان را وادار به حفظ استقلال می‌کند [۵].

#### پیشینه تحقیق

زارعی مروج (۱۳۸۴) در تحقیق خود به بررسی عوامل مؤثر بر تغییر حسابرسان در ایران پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد حق‌الزحمه حسابرسی، کیفیت کار حسابرِس، تغییر مدیر شرکت‌ها، اندازه شرکت‌ها، نرخ بازده سرمایه در سطح اطمینان ۹۵٪ بر تغییر حسابرسان از سوی شرکت‌ها تأثیر دارد بر این اساس نهادهای مسئول باید سیاست‌های تغییر حسابرِس را طوری توسعه دهند که عوامل غیر مشروع نتواند موجب تغییر حسابرِس و تضعیف استقلال حسابرسان گردد [۱۰].

روچی و ایمان‌زاده (۱۳۸۸) به بررسی دلایل تغییر حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبت بین متغیرهای مستقل (حق‌الزحمه حسابرسی، کیفیت کار حسابرِس، تغییر مدیران شرکت، اندازه شرکت و نرخ بازگشت سرمایه) با متغیر وابسته (تغییر حسابرِس مستقل) وجود دارد [۹].

بنی‌مهد و اکبری (۱۳۸۹) رابطه بین متغیرهای ورشکستگی آلتمن و تغییر حسابرِس را مورد بررسی قرار دادند در این تحقیق با استفاده از داده‌های ترکیبی مشخص گردید که هیچکدام از متغیرهای مذکور با تغییر حسابرِس رابطه معنی‌دار ندارند. اما با افزودن متغیرهای کیفی مانند صدور گزارش غیرمقبول در سال قبل از تغییر حسابرِس، تغییر مالکیت و همچنین متغیرهای کمی اندازه شرکت و نسبت اهرمی به‌عنوان متغیرهای کنترل‌کننده، نشان داده شد که عوامل تأثیرگذار بر تغییر حسابرِس در ایران، عوامل غیر کمی است [۴].

حساس یگانه و جعفری (۱۳۸۹) به بررسی تأثیر چرخش مؤسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش حسابرسی پرداختند. منظور از چرخش مؤسسات حسابرسی، جابجایی و تعویض حسابرسان در دوره زمانی حداکثر چهارساله و کیفیت حسابرسی نیز حاصل جمع شایستگی (توانایی کشف اشتباهات) و استقلال حسابرسان (انگیزه گزارش موارد کشف‌شده) می‌باشد. آزمون فرضیه تحقیق نشان می‌دهد که چرخش مؤسسات حسابرسی موجب افزایش کیفیت حسابرسی نمی‌شود [۷].

آقایی و جاری (۱۳۹۲) به بررسی عوامل تعیین‌کننده تغییر حسابرِس در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این تحقیق به‌منظور بررسی تأثیر این عوامل به روی تغییر حسابرِس از مدل رگرسیون لجستیک استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد از بین شش عامل مهم در نظر گرفته‌شده در این تحقیق تنها اندازه موسسه حسابرسی بر تغییر حسابرِس تأثیر مثبت دارد [۲].

بزرگ‌اصل و صالح‌زاده (۱۳۹۳) در تحقیقی، رابطه بین توانایی مدیریت و کیفیت اقلام تعهدی را طی دوره ۴ ساله ۱۳۸۴ تا پایان ۱۳۸۷ مورد مطالعه قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از عدم وجود رابطه بین توانایی مدیریت و کیفیت اقلام تعهدی در طول دوره مطالعه بوده است [۳].

ابراهیمی کردلر و رحمانی (۱۳۹۵) به بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معنی‌داری وجود دارد و رابطه آن‌ها منفی است که این یافته‌ها با پژوهش دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) سازگاری ندارد [۱].

حجازی و همکاران (۱۳۹۵) تأثیر کیفیت حسابرسی به‌عنوان یک مکانیزم نظارتی را بر عدم تقارن اطلاعاتی موردبررسی قرار دادند. بر اساس نتایج پژوهش، تنها چرخش مؤسسه حسابرسی رابطه معنی‌داری با عدم تقارن اطلاعاتی دارد. از میان متغیرهای کنترلی نیز رابطه میان اندازه شرکت و نسبت بدهی معنی‌دار است [۶].

حکیم و عمری (۲۰۱۰) در پژوهش خود نشان دادند که اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش به‌عنوان معیاری از عدم تقارن اطلاعاتی با تخصص حسابرسان و مؤسسات حسابرسی بزرگ ارتباط منفی و با دوره تصدی مؤسسه حسابرسی ارتباط مثبتی دارد [۲۴].

دِمرجیان<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان توانایی مدیریت و مدیریت سود به این نتیجه رسیدند مدیران با توانایی بالا (کارآتر) با احتمال بیشتری اقدام به مدیریت سود با استفاده از اقلام تعهدی نموده از طرفی این مدیران با احتمال کمتری به مدیریت سود واقعی می‌پردازند به عبارتی دیگر آن‌ها به شواهدی دال بر اینکه مدیران کارآتر، در زمینه مدیریت سود موفق‌تر هستند، دست یافتند [۲۱].

رایان‌سی و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) در تحقیقی به بررسی نقش توانایی مدیریت در تغییر حسابرس پرداخته‌اند. آن‌ها با استفاده از یک مدل اندازه‌گیری جدید از توانایی مدیریت و تحلیل آماری بعمل آمده، ارتباط معکوسی بین درآمدزایی مؤثر مدیریت شرکت و احتمال تغییر حسابرس یافتند به عبارتی دیگر شرکت‌هایی که مدیران کارآتری داشتند نسبت به شرکت‌هایی که مدیرانشان از کارایی کمتری برخوردار بودند ۷۶٪ کمتر احتمال دارد که حسابرس شرکت را تغییر دهند از نظر آن‌ها مدیران و ویژگی‌های فردی آن‌ها نقش اساسی در سازمان‌ها دارد [۳۲].

دِمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی ارتباط بین کارایی (توانایی) مدیریت و کیفیت سود پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق آن‌ها حاکی از وجود ارتباط مثبت کارایی مدیریت و کیفیت سود می‌باشد. همچنین مدیران که توانایی بالاتری دارند کمتر اقدام به ارائه مجدد صورت‌های مالی کرده، دارای ثبات در سودآوری و کیفیت اقلام تعهدی و همچنین دقت بیشتر در برآورد مطالبات مشکوک‌الوصول داشته‌اند. در این تحقیق از چهار متغیر فوق به‌عنوان معیار اندازه‌گیری کیفیت سود استفاده شده است [۲۰].

### فرضیه‌های تحقیق

در تحقیق حاضر بر اساس ادبیات و مبانی نظری مطرح شده در ارتباط با کارایی مدیریت، تغییر حسابرس و عدم تقارن اطلاعاتی، به‌عنوان عناصر موردتوجه این تحقیق، فرضیه‌های زیر تدوین شده است:

<sup>1</sup> Peter Demerjian

<sup>2</sup> Ryan A. Seay

فرضیه اول: بین کارایی مدیریت و تغییر حسابرس رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین کارایی مدیریت و تغییر حسابرس تأثیر دارد.

### روش تحقیق

روش تحقیق، علی - مقایسه‌ای و پس رویدادی با استفاده از اطلاعات تاریخی می‌باشد. این تحقیق از حیث هدف از نوع تحقیقات کاربردی و به لحاظ روش انجام تحقیق، تجربی می‌باشد. شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی قلمرو زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۲ جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهند و با توجه به ماهیت خاص فعالیت برخی شرکت‌ها و سایر ملاحظات موردنیاز در انجام تحقیق، شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر نباشند از جامعه آماری حذف گردیدند:

- قبل از شروع سال ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار پذیرفته‌شده باشند.
- جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه، بانک‌ها و واسطه‌گری مالی نباشند.
- پایان سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد.
- بیش از ۳ ماه متوالی توقف نماد معاملاتی نداشته باشند.
- تا پایان سال ۱۳۹۲ از بورس حذف نشده باشند.
- داده‌ها و اطلاعات موردنیاز شرکت‌ها کلاً در دسترس و موجود باشد.

با توجه به شرایط فوق پس از بررسی جامعه آماری، در مجموع ۸۴ شرکت دارای شرایط موردنظر غربال گردید. به دلیل کیفی بودن برخی از داده‌های تحقیق، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش رگرسیون لجستیک و برای گردآوری داده‌ها از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و بانک اطلاعاتی سازمان بورس و پایگاه‌های مرتبط استفاده شده است. پس از گردآوری داده‌ها، آزمون فرضیه‌های تحقیق از طریق نرم‌افزار SPSS انجام گرفت. پس از تحلیل و آزمون فرضیه‌ها به صورت کلی، تک‌تک متغیرها با استفاده از آماره والد به صورت جداگانه آزمون گردید تا تأثیر و رابطه هر کدام از متغیرهای پیش‌بین با متغیر پاسخ نیز به طور جداگانه اندازه‌گیری گردد.

### مدل و متغیرهای تحقیق

با توجه به فرضیه‌های تحقیق، مدل‌های زیر جهت آزمون فرضیه‌ها تدوین گردیده است:

$$AUCHGit = \beta_0 + \beta_1 MGRABLit-1 + \beta_2 ZSCOREit-1 + \beta_3 EMit-1 + \beta_4 CASHit-1 + \beta_5 INVRECit-1 + \beta_6 LEVit-1 + \beta_7 LOSSit-1 + \beta_8 GROWTHit-1 + \beta_9 AUOPit-1 + \beta_{10} TENUREit-1 + \beta_{11} SIZEit-1 + \varepsilon.$$

$$AUCHGit = \beta_0 + \beta_1 MGRABLit-1 + \beta_2 MGRABLit-1 * SPREAD it-1 + \beta_3 ZSCOREit-1 + \beta_4 EMit-1 + \beta_5 CASHit-1 + \beta_6 INVRECit-1 + \beta_7 LEVit-1 + \beta_8 LOSSit-1 + \beta_9 GROWTHit-1 + \beta_{10} AUOPit-1 + \beta_{11} TENUREit-1 + \beta_{12} SIZEit-1 + \varepsilon.$$

<sup>1</sup> wald

در مدل فوق، تغییر حسابرس به عنوان متغیر وابسته، کارایی مدیریت به عنوان متغیر مستقل، عدم تقارن اطلاعاتی به عنوان متغیر تعدیل کننده و سایر متغیرها به عنوان متغیرهای کنترلی قلمداد می شوند.

#### متغیر وابسته (تغییر حسابرس)

*AUCHGit*: به عنوان یک متغیر مجازی، نشان دهنده تغییر حسابرس شرکت *i* در سال *t* است، در صورتیکه حسابرس تغییر کند به آن عدد یک و در غیر این صورت به آن عدد صفر نسبت داده می شود. متغیر مستقل (کارایی مدیریت): طبق مستندات دِمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) عوامل مختلفی برای محاسبه کارایی مدیریت شرکت بکار برده شده است که برخی از آن ها توسط محققین قبلی بکار برده شده بود همانند بازده دارایی ها (هارلوک، ۲۰۰۳)، دوره تصدی (میلبورن، ۲۰۰۳)، و سایر عواملی که خارج از کنترل مدیریت می باشد. در مدل دِمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، کارایی مدیریت که مبتنی بر ایجاد مؤثر درآمد می باشد عوامل دیگری جایگزین فاکتورهای بکار برده شده محققین قبلی شده است که معیارهای عملکرد شرکت را دقیق بررسی می نماید [۳۲]. مدیرانی که دارای توانایی عملیاتی بالایی در به کارگیری صحیح منابع مالی هستند دارای توان درآمدزایی بالایی بوده و برآوردها و قضاوت های دقیق تری را انجام می دهند.

*MGRABLt-1*: متغیری که توانایی مدیریت را بر اساس الگوی ارائه شده توسط دِمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) اندازه گیری می کند.

$$\text{Max}_t \theta = \frac{\text{Sales}}{v_{\text{CoGS}} + v_{\text{SG \& A}} + v_{\text{PPE}} + v_{\text{OpLease}} + v_{\text{R \& D}} + v_{\text{Goodwill}} + v_{\text{OtherInTan}}}$$

ماکزیم مقدار کارایی ( $\theta$ ) از طریق متغیرهای زیر حاصل می شود؛ *CoGS*: بهای تمام شده کالای فروش رفته؛ *SG&A*: هزینه های فروش، عمومی و اداری؛ *PPE*: خالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات؛ *OpLease*: خالص اجاره عملیاتی؛ *R&D*: هزینه های تحقیق و توسعه؛ *Goodwill*: سرقفلی خریداری شده؛ *Other Intan*: سایر دارایی های نامشهود؛ *v*: نشان دهنده ورودی (*input*).

در مرحله اول، کارایی کل شرکت از طریق یک روند بهینه سازی (*DEA*) به این صورت محاسبه می شود؛ ابتدا با استفاده از رابطه فوق، ماکزیم مقدار  $\theta$  برای هر شرکت به دست می آید. سپس از طریق نرم افزار برنامه بهینه سازی *WINQSB* نمره (رتبه) هر شرکت تعیین گردیده و رتبه های کارایی به دست آمده، درجه بندی می شود با این محدودیت که حداقل درجه، صفر بوده (ارقام منفی، صفر منظور می شود) و حداکثر آن یک خواهد بود. نرم افزار به صورت اتوماتیک با اعمال این محدودیت کارایی را محاسبه می نماید. در مرحله دوم، مقیاس کارایی *DEA* به هر دوی مدیریت و شرکت نسبت داده می شود بنابراین کل کارایی محاسبه شده در مرحله اول به اجزای مدیریت و شرکت تفکیک می شود که این کار به وسیله رگرسیون کارایی شرکت با ویژگی های مختلف آن ها که معمولاً ایجاد درآمد را تحت تأثیر قرار می دهند کامل می شود. این ویژگی ها شامل اندازه، سهم بازار، جریان نقد آزاد، چرخه عمر شرکت و عملیات ارز خارجی (صادرات) می باشد. این مدل رگرسیون به صورت زیر است:



$$Firm\ Efficiency = \alpha_0 + \beta_1 Ln(Total\ Assets) + \beta_2 Market\ Share + \beta_3 Positive\ Free\ Cash\ Flow + \beta_4 Ln(Age) + \beta_5 Foreign\ Currency\ Indicator + Year\ Indicators + \epsilon_i$$

باقیمانده حاصل از برآورد مدل رگرسیونی ( $\epsilon_i$ ) فوق که به تیم مدیریت نسبت داده می شود به عنوان معیار توانایی (کارایی) مدیریت در نظر گرفته شده که در آزمون فرضیه ها با نماد (MGRABL) نشان داده می شود.

$Ln(Total\ Assets)$  = اندازه شرکت حاصل لگاریتم طبیعی دارایی های شرکت می باشد.  
 $Market\ Share$  = سهم بازار هر شرکت حاصل تقسیم فروش هر شرکت در هر سال به فروش کل شرکت های صنعت می باشد.  
 $Positive\ Free\ Cash\ Flow$  = چنانچه جریان نقد عملیاتی شرکت مثبت باشد به آن عدد یک در غیر این صورت عدد صفر تعلق می گیرد.  
 $Ln(Age)$  = لگاریتم طبیعی عمر شرکت می باشد.  
 $Foreign\ Currency\ Indicator$  = چنانچه شرکت صادرات داشته باشد عدد یک در غیر این صورت به آن عدد صفر تعلق می گیرد.

#### متغیر تعدیل کننده (عدم تقارن اطلاعاتی)

در صورت افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش توسط بازار ساز افزایش می یابد (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۱). در پژوهش حاضر جهت محاسبه عدم تقارن اطلاعاتی از شکاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش به اقتباس از پژوهش های کارمیر<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۳) و دیگر پژوهش های مشابه داخلی از الگوی ونکاتش و چیانگ (۱۹۸۶) بهره گرفته شده است. رابطه مزبور به شرح زیر می باشد:

$$Spread = \frac{(Ask\ Price - Bid\ Price)}{(Ask\ Price + Bid\ Price)/2} \times 100$$

که در این رابطه؛ Spread؛ نشانگر شکاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش، Ask Price؛ بهترین قیمت پیشنهادی فروش سهام شرکت  $i$  در هر روز و Bid Price؛ بهترین قیمت پیشنهادی خرید سهام شرکت  $i$  در هر روز می باشد.

#### نحوه اندازه گیری متغیرهای کنترلی

<sup>1</sup> Cormier

<sup>2</sup> Venkatesh and Chiang

*ZSCOREit-1*: احتمال ورشکستگی که از طریق مدل آلتمن (۱۹۶۸) محاسبه می‌شود. آلتمن، مدل معروف خود را تحت عنوان مدل امتیاز ارائه داد که در پیش‌بینی ورشکستگی معروف است. او در این روش از بین بیست و دو نسبت مالی که به نظر وی بهترین نسبت‌ها برای پیش‌بینی ورشکستگی بود، پنج نسبت را به شرح مدل زیر انتخاب نمود [۱۵].

$$Z=0.012X1+0.014X2+0.033X3+0.006X4+0.999X5$$

در مدل فوق:

$X_1$  = حاصل تقسیم سرمایه در گردش بر مجموع دارایی‌ها؛  $X_2$  = حاصل تقسیم سود انباشته بر مجموع دارایی‌ها؛  $X_3$  = حاصل تقسیم سود قبل از بهره و مالیات بر مجموع دارایی‌ها؛  $X_4$  = حاصل تقسیم ارزش بازار سرمایه بر مجموع بدهی‌ها؛  $X_5$  = حاصل تقسیم فروش بر مجموع دارایی‌ها.

طبق این مدل چنانچه  $Z \leq 1/8$  باشد احتمال ورشکستگی شرکت زیاد بوده و به آن عدد یک داده شده در غیر اینصورت عدد صفر داده می‌شود.

*EMit-1*: نشان‌دهنده مدیریت سود می‌باشد؛ مدیریت سود عبارت از مداخله هدفمند در فرایند گزارشگری مالی با توجه به محدودیت‌های اصول پذیرفته شده حسابداری برای به دست آوردن سطح مورد انتظار سود است. با توجه به مقاصد مدیریت، مدیریت سود می‌تواند به صورت افزایش، کاهش یا هموار کردن سود گزارش شده باشد. در صورتی که مدیریت سود برای شرکت  $i$  در سال  $t-1$  اعمال شود عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر لحاظ می‌شود. برای اندازه‌گیری مدیریت سود از مدل تعدیل شده جونز استفاده شده است. [۳۰]:

$$TACC_{it}/TA_{it-1} = a_{0j}(1/TA_{i,t-1}) + a_{1j}(\Delta REV_{i,t}/TA_{i,t-1}) + a_{2j}(PPE_{it}/TA_{it-1}) + e_{it}$$

$TACC_{it}$  = جمع اقلام تعهدی در سال  $t$  برای شرکت  $i$

$TA_{it-1}$  = جمع دارایی‌ها در سال  $t-1$  برای شرکت  $i$

$\Delta REV_{it}$  = تغییرات درآمد طی سال  $t-1$  تا  $t$  برای شرکت  $i$

$PPE_{it}$  = مبلغ ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات در سال  $t$  برای شرکت  $i$

$e_{it}$  = مجموع خطای رگرسیون، فرض بر این است که به صورت مقطعی ناهمبسته و دارای توزیع نرمال با میانگین صفر هستند.

سپس این ضرایب برآوردی حاصل از رگرسیون‌ها برای برآورد میزان اقلام تعهدی مدیریت شده برای هر شرکت نمونه از طریق کسر نمودن اقلام تعهدی مدیریت نشده از جمع اقلام تعهدی به شرح زیر بدست می‌آید.

$$TACC_{it}/TA_{it-1} = a_{0j}(1/TA_{i,t-1}) + a_{1j}(\Delta REV_{i,t}/TA_{i,t-1}) + a_{2j}(PPE_{it}/TA_{it-1}) + e_{it}$$

$NDACC_{it}$  = جمع اقلام تعهدی غیر اختیاری برای شرکت  $i$  در سال  $t$

$REC_{it}$  = تغییرات حساب‌ها و اسناد دریافتنی طی سال‌های  $t-1$  تا  $t$  برای شرکت  $i$

$$DACC_{it} = TACC_{it}/TA_{it-1} - NDACC_{it}$$

$DACC_{it}$  = اجزای مدیریت شده اقلام تعهدی شرکت  $i$  در سال  $t$  که معادل جمع اقلام تعهدی اختیاری است.

$CASH_{it-1}$ : حاصل تقسیم موجودی نقد بر مجموع دارایی‌های شرکت  $i$  در سال  $t-1$  می‌باشد.

$INVREC_{it-1}$ : حاصل تقسیم "مجموع موجودی کالا و حساب‌های دریافتنی" بر مجموع دارایی‌های شرکت  $i$  در سال  $t-1$  می‌باشد.

$LEV_{it-1}$ : حاصل تقسیم مجموع بدهی‌ها بر مجموع دارایی‌ها که به‌عنوان نسبت اهرمی شرکت  $i$  در سال  $t-1$  می‌باشد.

$LOSS_{it-1}$ : در صورتیکه  $ROA < 0$  باشد به آن عدد (۱) در صورتی که  $ROA \geq 0$  به آن، عدد صفر اختصاص داده می‌شود.

$GROWTH_{it-1}$ : نشان‌دهنده رشد شرکت  $i$  در سال  $t-1$  می‌باشد که از طریق درصد تغییر در مجموع دارایی‌ها به دست می‌آید.

$AUOP_{it-1}$ : نشان‌دهنده اظهارنظر حسابرِس شرکت  $i$  در سال  $t-1$  می‌باشد. در صورتی که نظر حسابرِس نسبت به ارائه صورت‌های مالی، غیر مقبول باشد عدد یک منظور نموده، در صورتیکه نظر حسابرِس مقبول باشد عدد صفر منظور می‌شود.

$TENURE_{it-1}$ : نشان‌دهنده دوره تصدی حسابرِس شرکت  $i$  در سال  $t-1$  می‌باشد.

$SIZE_{it-1}$ : نشان‌دهنده اندازه شرکت  $i$  در سال  $t-1$  می‌باشد که از طریق لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها به دست می‌آید.

### آزمون فرضیه اول

نگاره شماره (۱)، طبقه‌بندی مشاهدات<sup>۱</sup> را طی بازه زمانی تحقیق نشان می‌دهد. به عبارتی دیگر، این نگاره یک خروجی دوبعدی، مشاهدات واقعی مربوط به داده‌های متغیر وابسته را با مشاهدات پیش‌بینی شده<sup>۲</sup> نرم‌افزار مقایسه کرده و درصد صحت<sup>۳</sup> و درستی آن‌ها را بیان کرده و یک نوع اعتبار و پایایی به این داده‌ها می‌بخشد.

### نگاره (۱) - طبقه‌بندی مشاهدات

<sup>1</sup> Classification Table

<sup>2</sup> Predicted

<sup>3</sup> Percentage Correct

سال	مشاهدات	پیش‌بینی شده			
		AUCHG		درصد صحت مشاهدات	
		.00	1.00		
Step 1	AUCHG	.00	346	18	95.1
		1.00	27	29	51.8
	درصد کلی				

نگاره شماره (۲) آزمون معنی‌داری کل مدل را نشان می‌دهد. مقدار آماره کای دو، برابر ۱۶۶/۸۶ بوده که sig آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ کل مدل معنی‌دار می‌باشد.

#### نگاره (۲) نتایج کلی آزمون معنی‌داری مدل - فرضیه اول

		Chi-square	df	Sig
Step 1	Step	166.863	11	.000
	Block	166.863	11	.000
	Model	166.863	11	.000

نگاره شماره (۳)، سطح درست‌نمایی و ضرایب تعیین کاکس و اسنل، و ناگل کرک را نشان می‌دهد که معادل  $R^2$  در رگرسیون معمولی می‌باشند. ضریب تعیین ناگل کرک برابر ۰/۶۰ است یعنی ۶۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترل (پیش‌بین) رگرسیون لجستیک تبیین می‌شود.

#### نگاره (۳) نتایج ضریب تعیین و سطح درست‌نمایی - فرضیه اول

Step	-2 Log likelihood	Cox & Snell R Square	Nagelkerke R Square
1	162.983	.328	.603

نگاره (۴) متغیرهای وارد شده در مدل و نتایج آزمون والد را نشان می‌دهد. آزمون والد، تأثیر تک‌تک متغیرهای پیش‌بین موجود در فرضیه را بر متغیر وابسته (تغییر حسابرسان) نشان می‌دهد.

#### نگاره (۴) نتایج آزمون مدل اول تحقیق

		B	S.E.	Wald	df	Sig.	Exp(B)
Step 1	MGRABL	.306	1.199	.065	1	.799	1.358
	ZSCORE	.067	1.088	.004	1	.951	1.069
	EM	-.365	.504	.524	1	.469	.694
	CASH	-7.875	4.416	3.180	1	.075	.000
	INVERC	1.677	.875	3.668	1	.055	5.347
	LEV	-1.658	1.312	1.596	1	.206	.191
	LOSS	-1.282	1.105	1.346	1	.246	.277
	GROWTH	-.823	.814	1.022	1	.312	.439
	AUOP	.976	.425	5.287	1	.021	2.655
	TENURE	-18.888	1216.757	.000	1	.988	.000
	SIZE	.513	.205	6.292	1	.012	1.671
	Constant	13.527	1216.762	.000	1	.991	749720

در آماره والد با توجه به نگاره (۴) سطح معنی‌داری متغیر کارایی مدیریت برابر ۰/۷۹۹ که حاکی از رد فرضیه محقق بوده و دارای ضریب متغیر ۰/۳۰۶ با درجه آزادی ۱ و بخت تأثیرگذاری در متغیر وابسته معادل ۱/۳۵۸ را دارا است. به عبارتی دیگر متغیر مستقل دارای ضریب مثبت اما معنی‌دار نبوده به همین صورت از بخت پایین‌تری در مورد تأثیرگذاری بر متغیر وابسته برخوردار است. همانطوری که ملاحظه می‌شود به‌جز اندازه شرکت و اظهار نظر حسابر س سایر متغیرهای کنترلی از سطح معنی‌داری قابل قبول برخوردار نیستند. از طرفی متغیرهای احتمال ورشکستگی، مدیریت سود و دوره تصدی کمترین ارتباط با متغیر وابسته را داشته‌اند.

#### آزمون فرضیه دوم

نگاره شماره (۵) آزمون معنی‌داری کل مدل را برای فرضیه دوم نشان می‌دهد. مقدار آماره کای‌دو، برابر ۱۷۰/۴۱ بوده که sig آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ کل مدل معنی‌دار می‌باشد.

نگاره (۵) نتایج کلی آزمون معنی‌داری مدل-فرضیه دوم

		Chi-square	df	Sig
Step 1	Step	170.411	12	.000
	Block	170.411	12	.000
	Model	170.411	12	.000

نگاره شماره (۶)، ضریب تعیین ناگل کرک را حدود ۰/۶۱ نشان می‌دهد یعنی ۶۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط پیش‌بین در رگرسیون لجستیک تبیین می‌شود.

نگاره (۶) نتایج ضریب تعیین و سطح درست‌نمایی-فرضیه دوم

Step	-2 Log likelihood	Cox & Snell R Square	Nagelkerke R Square
1	159.436a	.334	.613

نگاره (۷) متغیرهای وارد شده در مدل و نتایج آزمون والد را در فرضیه دوم نشان می‌دهد. آزمون والد، تأثیر تک‌تک متغیرهای پیش‌بین موجود در فرضیه را بر متغیر وابسته (تغییر حسابرس) نشان می‌دهد.

نگاره (۷) نتایج آزمون مدل دوم تحقیق

		B	S.E.	Wald	df	Sig.	Exp(B)
Step 1	MGRABL	-4.392	2.856	2.364	1	.124	.012
	MGRABL*SPREAD	203.825	113.772	3.210	1	.043	3.311E88
	ZSCORE	.036	1.083	.001	1	.973	1.037
	EM	-.356	.512	.483	1	.487	.700
	CASH	-6.678	4.452	2.250	1	.134	.001
	INVERC	1.952	.931	4.395	1	.036	7.043
	LEV	-1.681	1.333	1.591	1	.207	.186
	LOSS	-1.576	1.179	1.788	1	.181	.207
	GROWTH	-.913	.767	1.415	1	.234	.401
	AUOP	1.067	.434	6.053	1	.014	2.905
	TENURE	-18.936	1208.555	.000	1	.987	.000
	SIZE	.537	.208	6.674	1	.010	1.711
Constant	13.310	1208.560	.000	1	.991	603173	

در آماره والد با توجه به نگاره (۷) سطح معنی‌داری تعاملی متغیر کارایی مدیریت با عدم تقارن اطلاعاتی برابر ۰/۴۳ و معنی‌دار می‌باشد. همچنین ضریب آن مثبت و دارای اثر مستقیم بر متغیر وابسته بوده و بخت تأثیرگذاری آن بر متغیر وابسته بسیار بالاست. با اضافه نمودن متغیر عدم تقارن اطلاعاتی به‌عنوان

متغیر تعدیل کننده، تأثیر کارایی مدیریت بر تغییر حسابرس معنی دار گردید. نتایج آزمون آماری نشان می دهد متغیرهای کنترلی اظهار نظر حسابرس و اندازه شرکت با متغیر وابسته یعنی تغییر حسابرس ارتباط معنی داری دارند.

### نتیجه گیری

هدف کلی تحقیق بررسی ارتباط بین کارایی مدیریت و تغییر حسابرس با تاکید بر نقش عدم تقارن اطلاعاتی می باشد. طبق نتایج آزمون فرضیه اول، ارتباطی بین کارایی مدیریت و تغییر حسابرس مشاهده نگردید. با توجه به نتایج آزمون فرضیه دوم علی رغم رد ارتباط کارایی مدیریت با تغییر حسابرس، اثر تعاملی عدم تقارن اطلاعاتی و کارایی مدیریت تأثیر مستقیم و معناداری بر تغییر حسابرس دارد. یعنی با اضافه نمودن متغیر تعدیل کننده عدم تقارن اطلاعاتی به مدل، ارتباط مثبت بین کارایی مدیریت و تغییر حسابرس مشاهده گردید. به عبارتی دیگر در محیط های اطلاعاتی نامتقارن، مدیران بیشتر درصدد تغییر حسابرس برمی آیند که این با یافته های پژوهش رایان سی و همکاران همسو می باشد. یافته های تحقیق نشان می دهد در محیط اطلاعاتی نامتقارن، وقتی کارایی مدیریت افزایش می یابد مدیران در راستای ارائه هر چه مطلوب تر عملکرد خود و افزایش شفافیت مالی و کاهش عدم تقارن به سمت تغییر حسابرس سوق پیدا می کنند تا گزارش مطلوب تری برای صورت های مالی ارائه دهند. همچنین ارتباط متغیرهای کنترلی نوع اظهار نظر حسابرس و اندازه شرکت با تغییر حسابرس معنی دار می باشد. چنین استدلال می گردد با افزایش اندازه شرکت، نقش سهامداران نهادی در تصمیمات مدیریتی پررنگ تر و سهامداران عمده شرکت ها در تغییر حسابرس تأثیرگذار بوده است.

با توجه به معنی داری نوع اظهار نظر حسابرس، منطبق با تحقیق زارعی (۱۳۸۴) ممکن است عوامل تأثیرگذار بر تغییر حسابرس، اختلاف درباره محتوای گزارش های مالی و حسابرسی و نوع اظهار نظر حسابرس، تغییر یا جابجایی سهامداران عمده شرکت ها، عدم توافق در مورد حق الزحمه حسابرسی، و مواردی از این دست باشد.

### فهرست منابع

۱. ابراهیمی کردلر، علی؛ رحمانی، نوراله (۱۳۹۵). "بررسی رابطه توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران"، **فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی**. انجمن حسابداری ایران، ۳۶-۵۳، صص ۳۶-۵۳.
۲. آقایی، آرزو؛ جاری، اعظم (۱۳۹۲). "عوامل تعیین کننده تغییر حسابرس در بورس اوراق بهادار تهران"، **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، ۲(۸)، صص ۱۰۰-۱۱۵.
۳. بزرگ اصل، موسی؛ صالح زاده، بیستون (۱۳۹۳). "توانایی مدیریت و کیفیت اقلام تعهدی"، **مجله دانش حسابداری**، ۱۷(۱)، صص ۱۱۹-۱۴۰.
۴. بنی مهد، بهمن؛ اکبری، رضا، (۱۳۸۹). "بررسی رابطه بین متغیرهای ورشکستگی آلتمن و تغییر حسابرس"، **مجله حسابداری مدیریت**، ۳(۳)، صص ۴۱-۴۷.
۵. جعفری، علی؛ جعفری، همت؛ حسینی، رسائیان، امیر. (۱۳۹۲). "بررسی تأثیر تغییر حسابرس بر کیفیت حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **دانش حسابرسی**، ۱۳(۵۱)، صص ۲-۱۹.

۶. حجازی، رضوان؛ زارعی، بتول؛ حاتمی، فرهاد. (۱۳۹۵). "تأثیر کیفیت حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی"، *بررسی‌های حسابداری*، ۳(۱۰)، صص ۱-۱۸.
۷. حساس یگانه، یحیی؛ جعفری، ولی اله (۱۳۸۹). "بررسی تأثیر چرخش مؤسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش حسابرسی"، *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، ۳(۹)، صص ۲۵-۴۹.
۸. دستگیر، محسن؛ حسینی، سید احسان (۱۳۹۲). "مروری جامع بر مدیریت سود"، *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، انجمن حسابداری ایران، ۲(۸)، صص ۴-۱۹.
۹. روحی، علی؛ ایمان زاده، پیمان (۱۳۸۸). "بررسی دلایل تغییر حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران". *پژوهش‌نامه حسابداری مالی و حسابرسی*، دانشکده اقتصاد و حسابداری تهران مرکزی، ۱(۴)، صص ۱۹۸-۱۸۵.
۱۰. زارعی، کمال (۱۳۸۴). "شناسایی عوامل مؤثر بر تغییر حسابرسان در ایران"، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری*، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۱. فدایی‌نژاد، محمد اسماعیل؛ اسکندری، رسول (۱۳۹۰). "طراحی و تبیین مدل پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران"، *مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، انجمن حسابداری ایران، ۳(۹).
۱۲. قدرتی، حسن؛ معنوی مقدم، امیرهادی (۱۳۸۹). "بررسی دقت مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی (مدل‌های آلتمن، شیراتا، اهلسون، زمیسکی، اسپرینگیت، سی‌ای‌اسکور، فولمر، ژنتیک فرج‌زاده و ژنتیک مک‌کی) در بورس اوراق بهادار تهران". *مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، انجمن حسابداری ایران، ۲(۷)، صص ۱۴۴-۱۲۸.
۱۳. مهدوی، غلامحسین؛ ابراهیمی، شهلا (۱۳۸۹). "تغییر حسابرسان، چراغ قرمز یا سبز"، *ماهنامه حسابرسان*، سال دوازدهم، شماره ۴۹، صص ۱۲۱-۱۱۳.
۱۴. ودیعی، محمدحسین؛ ذوالفقاری آرانی، محمدحسین؛ رجبعلی‌زاده، جواد. (۱۳۹۵). "بررسی تأثیر تغییر اختیاری و غیراختیاری حسابرسان بر عدم تقارن اطلاعاتی". *اولین همایش ملی حسابرسان و نظارت مالی ایران*، دانشگاه فردوسی مشهد.
15. Altman, E. I. (1968). Financial ratios, discriminant analysis and the prediction of corporate bankruptcy. *Journal of Finance* 23 (4):589-609.
16. Andreou, P., Daphna, E. & Louca, C. (2014). Managerial Ability and Firm Performance: Evidence from the Global Financial Crisis. Available at: <http://www.efmaefm.org>.
17. Cassell, C. A., G. A. Giroux, L. A. Myers, and T. C. Omer. (2012). The effect of corporate governance on auditor-client realignments. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 31(2):167-188.
18. Chemmanur, T., Paeglis, I. & Simonyan, K. (2009). Management Quality Financial Investments and Asymmetric Information. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 44(5), 1045-1079.
19. Dechow, P., and D. Skinner. (2000). Earnings management: Reconciling the views of accounting academics, practitioners, and regulators. *Accounting Horizons* 14 (2): 235-250.
20. Demerjian, P. R., M. F. Lewis, B. I. Lev, and S. E. McVay. 2012b. Managerial ability and earnings quality. *Working paper*, Emory University, University of Utah, New York University, and University of Washington.
21. Demerjian, P., M. F. Lewis, and S. McVay. (2012a). Managerial ability and earnings management. *Management Science* 58 (7):1229-1248.
22. Francis, J. & Wilson, E. (2005). Auditor changes: A joint test of theories related to agency costs and auditor differentiation. *The Accounting Review*, 63 (4), 663-682.



23. Griffin, P. A., and D. H. Lont. (2010). Do investors care about auditor dismissals and resignations? What drives the response? **Auditing: A Journal of Practice & Theory** 29 (2):189-214.
24. Hakim, F. & Omri, M. A. (2010). Quality of The External, Information Asymmetry, and Bid-Ask Spread: Case of The Listed Tunisian Firms. **International Journal of Accounting and Information Management**, 18: 5-18.
25. Hambrick, D. C., and P. A. Mason. (1984). Upper echelons: The organization as a reflection of its top managers. **Academy of Management Review** 9 (2):193-206.
26. Hanwen, C., Jeff, Z., Chen, G. & Lobo, W. (2008). Effects of Audit Quality on Cost of Equity Capital and Earnings Management: Evidence from China. Available in <http://www.SSRN.com>.
27. Jansen, I. P., S. Ramnath, and T. L. Yohn. (2012). A diagnostic for earnings management using changes in asset turnover and profit margin. **Contemporary Accounting Research** 29 (1):221-251.
28. Jensen, M. C. (1998). Self-Interest, Altruism, Incentives of Agency Theory. **Foundation of Organizational Strategy, Harvard University Press**.
29. Jones, J. (1991). Earnings management during import relief investigations. **Journal of Accounting Research** 29 (2): 193-228.
30. Krishnan, J., and J. Krishnan. 1997. Litigation risk and auditor resignations. **The Accounting Review** 72 (4):539-560.
31. Lee, H. Y., V. Mande, and R. Ortman. (2008). The effect of audit committee and Board of Director independence on auditor resignation. **Auditing: A Journal of Practice & Theory** 23 (2):131-146.
32. Ryan A. Seay. (2012). The role of managerial ability in auditor changes: does efficiency matter?. **Working Paper August 28, 2012**
33. Vanstraelen, A. (2008). Impact of renewable long-term audit mandates on audit quality. **The European Accounting Review**, 9(3), 419-443.

سایت رسمی [www.iaaaar.com](http://www.iaaaar.com)

تلفکس ۴۴۸۴۴۷۵-۴۴۸۴۴۷۰۵

پست الکترونیک [iranianaa@yahoo.com](mailto:iranianaa@yahoo.com)

سایت انجمن حسابداری ایران [www.iranianaa.com](http://www.iranianaa.com)



## **Investigating the Relationship between Management Efficiency and Auditor Change with Emphasis on the Role of Information Asymmetry**

**Akbar Kanani<sup>1</sup>**

Department of Accounting, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

**Rezvan Hejazi (PhD)<sup>2</sup>©**

Prof. in Accounting, Khatam University, Tehran, Iran

**Mehrdad Ghanbari (PhD)<sup>3</sup>**

Department of Accounting, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

**Babak Jamshidi Navid (PhD)<sup>4</sup>**

Department of Accounting, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

(Received: 24 September 2017; Accepted: 23 January 2018)

The purpose of the present study is to investigate the relationship between management efficiency (Ability) and auditor change with emphasis on the role of information asymmetry. For this purpose, 84 companies were surveyed for the period from 2009 to 2013 by statistical population screening method for 420 observations (year-company). Demerjian et al. (2012) model was used to measure management efficiency and Chiang and Venkatesh (1986) model was used to measure information asymmetry. The results of hypothesis testing using multivariate logistic regression showed that there was no significant relationship between management efficiency and auditor change. But the information asymmetry moderator variable significantly moderated the relationship between management performance and auditor change. The results showed that among the control variables, there was a significant relationship between the type of auditor's opinion and the firm size with the change of audit.

**Keywords:** Management Efficiency, Auditor Change, Information Asymmetry.

---

<sup>1</sup> akbarkanani2000@yahoo.com

<sup>2</sup> hejazi33@alzahra.ac.ir © (Corresponding Author)

<sup>3</sup> ghanbari@iauksh.ac.ir

<sup>4</sup> jamshidinavid@iauksh.ac.ir